فصل اول

نکات ادبی، زبانی، معنی و مفهوم درس دوم:

«خوب جهان را ببین» و شعر «صور تگر ماهر»

«خوب جهان را ببین»

✓ اگر اندیشه ات را بکار بگیری تا بتوانی به راز آفرینش پی ببری، دلایلی روشن به تو خواهند گفت که آفریننده مورچه کوچک، همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست.

مشاوران فروغ دانش

آرایه ادبی:

بکار گرفتن : کنایه از استفاده کردن

کوچک و بزرگ : تضاد

درخت و خرما : مراعات النظیر

نکته زبانی:

اَت در اندیشه اَت : مضاف الیه /اندیشه ات : ترکیب اضافی(اندیشه تو)

راز آفرینش : ترکیب اضافی

دلایل روشن : ترکیب وصفی

مورچه کوچک : ترکیب وصفی

درخت بزرگ : ترکیب وصفی

✓ از شگفتی های آفرینش خالق بی همتا، اسرار پیچیده حکیمانه در آفرینش خفاشان است. روشنی روز که همه چیز را می گشاید چشمانشان را می بندد زیرا خفاش از حرکت در نور درخشان ناتوان است و تاریکی شب که همه چیز را به خواب می برد، چشمان آنها را باز می کند. پس از دوروز پلک هارا بر سیاهی دیده ها می اندازد و شب را چونان چراغی بر می گزینند تا در پرتو تاریکی آن روزی خودرا جستجو کند .

آرایه ادبی:

می گشاید و می بندد : تضاد

می بندد : به روشنایی روز نسبت داده شده است = آرایه تشخیص

شب و روز : تضاد

تاریکی و نور : تضاد

خواب فرو می برد و باز می کند : تضاد

پلک هارا بر سیاهی دیده (مردمک) می اندازد : کنایه از اینکه چشم ها را می بندد

شب چونان (مثل) چراغ است = تشبیه / پلک ،دیده (چشم) : مراعات النظیر

نکته دستوری:

شگفتی آفرینش : ترکیب اضافی

خالق بی همتا : ترکیب وصفی

اسرار پیچیده : ترکیب وصفی

اسرار حکیمانه : ترکیب وصفی

همه چیز ، چشمانشان ، هر چیز ، چشمان آنها : در نقش مفعول

مسئولان فروش دانش

✓ پروردگار بال هایی برای پرواز آنها آفرید این بال ها همانند لاله های گوش اند بی پر و بدون رگ های اصلی اما تو جای رگ ها و نشانه آنها را به خوبی می بینی بال هایی که نه آنقدر نازک هستند که در هم بشکنند و نه چندان محکم که سنگینی کنند.

آرایه ادبی:

این بال ها همانند لاله های گوش اند : تشبیه

بال ، گوش ، پر ، رگ : مراعات النظیر

نازک و محکم : تضاد

در هم بشکنند : کنایه از نابود شدن و از بین رفتن است

نکته دستوری:

بال هایی : مفعول

این بال ها : نهاد

همانند لاله: مسند

گوش : مضاف الیه

رگ ها : متمم

رگ های اصلی : ترکیب وصفی

جا : مفعول

نازک و محکم : مسند

فعل هستند بعد از «نه چندان محکم » حذف شد ه است

مولیان_فروغ دانش

✓ در حالی که فرزندانشان به آنها چسبیده اند پرواز می کنند فرزندان از مادرانشان جدا نمی شوند تا آن هنگام که اندامشان نیرومند شود و بال ها قدرت پرواز کردن پیدا کنند و بدانند که راه زندگی کردن کدام است.

آرایه ادبی:

فرزند و مادر : مراعات النظیر

نکته دستوری:

فرزندانشان : ترکیب اضافی

مادرانشان : ترکیب اضافی

اندامشان : ترکیب اضافی

شان در (فرزندانشان ، مادرانشان ، اندامشان): مضاف الیه است

جدا ، نیرومند و کدام : مسند است

✓ اکنون که می خواهی در مورد شگفتی آفرینش ملخ سخن بگو که خدا برای او دو چشم سرخ دو حدقه، چونان ماه تابان آفرید و به او گوش پنهان و دهانی متناسبِ اندامش بخشید. ملخ حواسی نیرومند و دو دندان پیشین دارد که گیاهان را می چیند و دو پای داس مانند که اشیاء را برمی دارند.

آرایه ادبی:

چشم ، حدقه ، گوش ، دهان و دندان : مراعات النظیر

دو چشم سرخ و دو حدقه به ماه تابان تشبیه شده

پای داس مانند : تشبیه

نکته دستوری:

دو چشم سرخ : مفعول

چشم سرخ : ترکیب وصفی

چونان : حرف اضافه

ماه : متمم

ماه تابان ، دهانی متناسب

حواسی نیرومند : ترکیب وصفی

✓ کشاورزان از ملخ ها می ترسند و قدرت دفع آنها را ندارند، حتی اگر همه متحد شوند، ملخ ها نیرومندانه وارد کشتزار می شوند و آنچه میل دارند را می خورند در حالی که تمام اندامشان، به اندازه یک انگشت باریک است.

آرایه ادبی:

کشاورزان و کشتزرا : مراعات النظیر

نکته زبانی:

قدرت : مفعول

متحد : مسند

✓ به مورچه و کوچکی جثه آن بنگر که چگونه عظمت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی شود. نگاه کن چگونه روی زمین راه می رود و برای بدست آوردن روزی خود تلاش می کند او دانه ها را به خانه خود می برد و در جایگاه ویژه نگه می دارد و در فصل گرما برای خوراک زمستان خود می کوشد اگر اندیشه کنی از آفرینش مورچه دچار شگفتی خواهی شد.

آرایه ادبی:

می رود ، می کند ، می برد ، می دارد و می کوشد : سجع

نکته دستوری:

درک : مسند

به دست آوردن : متمم (برای حرف اضافه است)

فصل گرما : ترکیب وصفی

خوراک زمستان : ترکیب اضافی

✓ از شگفت انگیز ترین پرندگان در آفرینش ، طاووس است که خداوند آن را در استوار ترین شکل بیافریند . با بال های زیبا که پرهای آن به روی یکدیگر انباشته شده و دُم کشیده اش که آن را چونان چتری گشوده است که طاووس آن را بر سر خود سایبان می سازد گویی بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است .

آرایه ادبی:

دُم کشیدن طاووس به چتری مانند شده : تشبیه

آن (دُم) مانند ، بادبان کشتی:تشبه

نکته دستوری:

آن در «آن را چونان چتری» و «طاووس آن را » ضمیر اشاره است و مرجع آن : دُم طاووس است

✓ اگر پر های طاووس را به روییدنی های زمین تشبیه کنی خواهی گفت : «دسته گلیست از شکوفه های رنگارنگ گل های بهاری فراهم آورده است » و اگر آن را با پارچه های پوشیدنی همانند سازی چون پارچه های زیبای پر نقش و نگار است . پر های طاووس چونان برگ خزان دیده ، می ریزد و دوباره می روید تا دیگر بار شکل و رنگ زیبای خودرا باز یابد . اگر در تماشای یک از پرهای طاووس دقت کنی لحظه ای به سرخی گل ولحظه ای دیگر به سبزی و گاه به زردی زر ناب جلوه می کند .

آرایه ادبی:

رنگ پرهای طاووس به دسته گل و پارچه های زیبا تشبیه شده

پرهای طاووس به برگ خزان دیده مانند شده : تشبیه

برگ ، خزان ، می روید : مراعات النظیر

سرخی سبزی و زدری : مراعات النظر

پارچه های پوشیدنی : لباس

رویيدنی ها : گیاهان

نکته دستوری:

شکوفه های رنگا رنگ ، گل های بهاری ، پارچه های پوشیدنی ، پارچه های زیبا ، برگ خزان دیده ، رنگ زیبا ، و زر ناب : ترکیب وصفی

چون : حرف اضافه

پارچه : متمم

با در «با پارچه های پوشیدنی : حرف اضافه و پارچه متمم

چونان : حرف اضافه و برگ متمم

عبارت «زردی زر » زر : مضاف الیه

✓ بر فراز گردن طاووس به جای یال ، کاکلی سبز رنگ و پر نقش و نگار روییده است . در اطراف گردنش ، گویا چادری سیاه افکنده ، پنداری با رنگ سبز تندی در هم آمیخته که در کنار شکاف گوشش ، جلوه خاصی دارد .

کمتر رنگی می توان یافت که طاووس از آن در اندامش نداشته باشد

نکته دستوری:

کاکلی سبز رنگ و پر نقش و نگار : نهاد

جلوه : مفعول

رنگی : مفعول

«صور تگر ماهر»

قالب شعر: قصیده

قاآنی شیرازی: وی از شاعران دوره قاجار است، وی کتاب؟«پریشان» را به شیوه گلستان سعدی سروده و آرامگاه او در جوار حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در شهرری است.

پیام درس: انسان با این همه هوش و عقل باز نمی تواند عظمت خداوند را درک وکند و سپاس بگوید و در برابر این پدیده ها متحیر است

****

راستی را کس نمی داند که در فصل بهار از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار

نکته زبانی: «را» در عبارت «راستی را» به معنی «به» است / پدیدار : مسند

معنی و مفهوم: به راستی که کسی نمی داند در فصل بهار این همه نقش و نگار زیبا از کجا پدیدار می شود

عقل ها حیران شوند گر خاک تاریک نژند چون برآید این همه گل های نغز کامگار

آرایه ادبی: عقل حیران شد : تشخیص

نکته زبانی: حیران : مسند / خاک تاریک نژند : ترکیب وصفی

معنی و مفهوم: عقل انسان ها سرگشته و متحیر می شود که از خاک سر این همه گل های سزخ زیبا می روید

چون نپرسی کین تماثیل از کجا آمد پدید چون نجویی کین تصاویر از کجا شد آشکار

نکته زبانی: بیت چهار جمله است

آرایه ادبی: چون : تکرار /کجا : تکرار / تکرار حرف «ک» :واج آرایی

معنی و مفهوم: چگونه نمی پرسی که این همه شکل از کجا پدید آمده است ؟ چرا جست و جو نمی کنی که ببینی این همه تصویر از کجا بوجود آمده

برق از شوق که می خندد بدین سان قاه قاه ابر از هجر که می گرید بدین سام زار زار

آرایه ادبی: می خندد و می گرید : تضاد / خندیدن برق و گریستن ابر : تشخیص / بدین سان : تکرار

معنی و مفهوم: بر ق آسمان بخاطر شوق دیدن چه کسی اینطور با صدای بلند می خندد و ابر از دوری چه کسی این طور با غم و اندوه گریه می کند (منظور صدای باران و رعدو برق است)

کیست آن صورتگر ماهر که بی تقلید غیر این همه صور بر در صفحه هستی به کار؟

آرایه ادبی: صفحه هستی : اضافه تشبیهی / صورتگر ، صورت و صفحه مراعات النظیر/

نکته زبانی: بیت دو جمله است / آن صورتگر ماهر : نهاد / کی : (کی است) : مسند / این همه صورت : مفعول

معنی و مفهوم: آن نقاش ماهر خداوند بزرگ است که بدون تقلید از دیگران این همه تصویر را در جهان هستی کشیده است (بوجود آورده)

لغات مهم :

۱. دلایل : آن چه برای ثابت کردن امری لازم می آورند
۲. حجت : برهان
۳. شگفتی : عجیب بودن
٤. خالق : آفریننده
٥. بی همتا : بی مانند
٦. اسرار : ج سر به معنی راز ها
۷. حکیمانه : خردمندانه و عالمانه
۸. دیده ها : چشم
۹. چونان : مانند
۱۰. روزی : خوراک
۱۱. در هم بشکنند : از بین بروند
۱۲. چندان : آن اندازه
۱۳. حدقه : مردمک چشم ، کاسه چشم
۱٤. پیشین : جلو
۱٥. داس : وسیله تی وبرنده که به شکل منحنی است
۱٦. اشیاء : چیزها
۱۷. دفع : راندن و دور کردن
۱۸. جُثه : بدن و پیکر
۱۹. خلقت : آفرینش
۲۰. جایگاه ویژه : مکان مخصوص
۲۱. انباشته : پر
۲۲. گویی : انگار
۲۳. ناخدا : گشتی بان
۲٤. خزان : پاییز
۲٥. برافراشته : بلند کرده
۲٦. زر ناب : طلای خالص
۲۷. فراز : بلندی
۲۸. یال : موهای بلند روی گردن اسب و در اینجا به معنی پر های گردن طاووس است .
۲۹. کاکُل : موی جلوی سر ، در اینجا پر های بالای سر طاووس است
۳۰. پندار : وهم ، گمان ، فکر
۳۱. جلوه : ظاهر ، پیدایی
۳۲. راستی را : به راستی
۳۳. پدیدار : آشکار
۳٤. حیران : سرگشته
۳٥. نَژَند : اندوهگین ، غمناک ، سرد و بی روح
۳٦. نغز : خوب و زیبا
۳۷. گَل کامکار : نوعی گل بسیار سرخ و زیبا
۳۸. تماثیل: ج تمثال ، تصویر ها ، شکل ها
۳۹. قاه قاه : صدای بلند خنده ، قهقهه
٤۰. هِجر: دوری
٤۱. زار زار : با ناله و اندوه گریستن
٤۲. صورتگر : نقاش ، پدید آورنده نقش ها ، در اینجا به معنی خداوند است

مسئولان_فروغ دانش